

# فُصُوصُ الْحِكْمِ

شیخ اکبر محی الدین بن عربی

« خطبة الكتاب »

ترجمہ: دکتر سید محمد سلیمان پناہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الحمد لله مُنْزَلِ الْحِكْمِ عَلَى قُلُوبِ الْكَلِمِ بِأَحَدِيَّةِ الطَّرِيقِ  
 الْأُمَّمِ مِنَ الْمَقَامِ الْأَقْدَمِ وَ إِنْ اِخْتَلَفَتِ النَّحْلُ وَ الْمِلَلُ  
 لِاِخْتِلَافِ الْأُمَّمِ. وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُدِّ الْأَهْمَمِ، مِنْ خَزَائِنِ  
 الْجُودِ وَ الْكَرَمِ، وَ بِالْقِيلِ الْأَقْوَمِ، مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ آلِهِ وَ سَلَّمَ.  
 أَمَّا بَعْدُ، فَإِنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ - فِي  
 مَبْشَرَةٍ أُرِيْتُهَا فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ مِنَ الْمَحْرَمِ، سَنَةِ سَبْعِ وَ  
 عَشْرِينَ وَ سِتْمِائَةِ بِمَحْرُوسَةِ دِمَشْقِ، وَ بِيَدِهِ - صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ - كِتَابٌ، فَقَالَ لِي، "هَذَا كِتَابُ فُصُوصِ  
 الْحِكْمِ، خُذْهُ وَ اخْرُجْ بِهِ إِلَى النَّاسِ يَنْتَفِعُونَ بِهِ!"، فَقُلْتُ،  
 "السَّمْعُ وَ الطَّاعَةُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ أَوْلِيَ الْأَمْرِ مِنَّا كَمَا أَمَرْنَا".

بنام الله رحمان رحيم  
 حمد از آن الله است، که نازل گرداننده است به تدریج  
 حکمت‌ها را بر قلب‌های کلمه‌ها با احدیت راه نزدیک از  
 مقام آقدم هرچند اختلاف داشته باشند نحله‌ها و ملت‌ها به  
 خاطر اختلاف امت‌ها، و درود خدا بر مُدِّ همت‌ها از خزائن  
 جود و کرم، و با گفتار اقوام، محمد و علی آله و سلم.  
 اما بعد، به درستی که من دیدم رسول الله ﷺ را در  
 مبشره‌ای در دهه آخر محرم سال ششصد و بیست و هفت  
 [۶۲۷ ه ق] در محروسه دمشق در حالی که در دست او  
 کتابی بود، و مرا گفت، "این کتاب فصوص الحکم  
 است! بگیر آن را و ببر آن را سوی مردم سود برند از آن!"  
 گفتم، "شنیدن و اطاعت برای خدا و رسول او و صاحبان  
 امر ماست همان گونه که فرمان یافته‌ایم!"

فَحَقَّقْتُ الْأُمْنِيَّةَ وَأَخْلَصْتُ النِّيَّةَ وَجَرَدْتُ الْقَصْدَ وَالْهَمَّةَ  
إِلَى إِبْرَازِ هَذَا الْكِتَابِ كَمَا حَدَّثَهُ لِي رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - مِنْ غَيْرِ زِيَادَةٍ وَلَا نَقْصَانٍ وَسَأَلْتُ اللَّهَ  
تَعَالَى أَنْ يَجْعَلَنِي فِيهِ وَفِي جَمِيعِ أَحْوَالِي مِنْ عِبَادَةِ الَّذِينَ لَيْسَ  
لِلشَّيْطَانِ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ، وَأَنْ يُخَصِّنِي فِي جَمِيعِ مَا يَرْقُمُهُ  
بَنَانِي وَيَنْطِقُ بِهِ لِسَانِي وَيَنْطَوِي عَلَيْهِ جَنَانِي بِالْإِلْقَاءِ  
السُّبُوحِيِّ، وَالنَّفْثِ الرُّوحِيِّ فِي الرُّوعِ النَّفْسِيِّ بِالتَّأْيِيدِ  
الْإِعْتِصَامِيِّ، حَتَّى أَكُونَ مُتَرَجِّمًا لَا مُتَحَكِّمًا، لِيَتَحَقَّقَ مِنْ  
يَقِفُ عَلَيْهِ مِنْ أَهْلِ اللَّهِ أَصْحَابِ الْقُلُوبِ، أَنَّهُ مِنْ مَقَامِ  
التَّقْدِيسِ الْمَنْزَعِ عَنِ الْأَعْرَاضِ النَّفْسِيَّةِ الَّتِي يَدْخُلُهَا التَّلْبِيسُ.

پس تحقیق بخشیدم خواسته را و خالص گراندم نیت را و  
تجريد کردم قصد و همت را برای ابراز این کتاب چنان که  
رسول الله صلی الله علیه و آله معین فرموده بود، بدون زیاده و نقصانی و از  
الله تعالی خواستم تا قرار دهد مرا در این و در جمیع احوالم  
از عبادش، که نیست شیطان را بر آنان تسلطی، و خاص  
گرداند مرا در جمیع آنچه انگشتانم می نگارد، و زبانم بدان  
سخن می گوید، و دلم در بر می گیردش با القای سبوحی، و  
دمیدن روحی در نهان جای نفسی با تأیید اعتصامی، تا  
مترجمی باشم نه متحکمی، تا به تحقیق آگاه گردد بر آن  
از اهل الله، اصحاب قلوب، که آن از مقام تقدیس منزّه از  
أعراض نفسانی است، که تلبیس در آن داخل می شود.

و أرجو أن يكون الحقّ - تعالى - لما سمع دعائي قد أجاب  
ندائي؛ فما أُلقي إلا ما يُلقِي إليّ، و لا أنزل في هذا المسطور  
إلا ما يُنزل به عليّ و لست بنبيّ و لا رسولٍ و لكنّي وارث و  
لآخرتي حارث.

فمن الله فاسمعوا و الى الله فارجعوا

فإذا ما سمعتم ما أتيت به فعوا

ثم بالفهم فصلوا مجمل القول و اجمعوا

ثم منوا به على طالبيه لا تمنعوا

هذه الرحمة التي وسعتكم فوسّعوا

و من الله أرجو أن أكون ممن أيّد فتأيّد و قيّد بالشرع

المحمّدي المطهر فتقيّد و قيّد و حشرنا في زمرة كما جعلنا

من أمّته.

و امید دارم که حقّ - تعالی - چنان باشد که چون دعایم را  
بشنود، اجابت گوید ندایم را. پس القاء نمی کنم من مگر آنچه  
القاء می کند به من، و نازل نمی نمایم در این سطرها مگر  
آنچه را نازل می کند بر من، و نیستم من نبی و نه رسول  
ولیکن وارثی، و برای آخرتم کشت کننده ایی.

پس از خدا بشنوید و سوی خدا بازگردید.

و چون شنیدید آنچه را آوردم آن را فرا گیرید.

سپس با فهم تفصیل بخشید سخن مجمل را و گرد آرید.

آن گاه منت نهید با آن بر خواستارانش، باز ندارید.

این رحمتی است که فراگرفت تان، پس فراگیرش کنید.

و از الله امید دارم که باشم از کسانی که تأیید شد و تأیید

پذیرفت، و به بند آمد با شرع محمدی پاکیزه، و بند پذیرفت و

بند کرد، و محشور کند ما را در شمار او هم چنان که قرار

دادمان از امتش.

فأول ما ألقاه المالك على العبد من ذلك فص حكمة إلهية في  
كلمة آدمية:

اولین چیزی که مالک بر [این] بنده از آن [کتاب] القاء  
فرمود "فص حکمت الهیه درباره کلمه آدمیت" بود.<sup>۱</sup>

برگرفته از جزوات دروس

"گریزگاه بی گاهی: در شرح فصوص شیخ طایی"

(۱) توجه شود متن و ترجمه ارائه شده صرفاً جهت استفاده شرکت کنندگان در  
جلسات تهیه شده است و ممکن است نیازمند تصحیح و ویرایش باشد.